

رساله هدایت

در حکم جنابت

از نالیفات

حضرت حجة الاسلام آیت الله آقای عرب باغی مجتهد

مدظله العالی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على محمد و آله الطاهرين
بدانکه جمعی از علماء در حکم جنب اشتباه کرده اند و از آنجمله در جواز
مکث و درنک نمودن جنب در مساجد که جمعی با تیمم بودن او را در مسجد جایز
دانسته ، و دلیل ایشان عموم جمله احادیث است مثل فرمایش حضرت رسول الله (ص)
بر ابو ذر که : یا اباذر کفایت میکند بر تو تیمم تا ده سال، و مثل فرموده امام جعفر صادق
در حدیث حماد که خاک و تیمم در منزله آب است .
و مثل فرمایش آنحضرت در حدیث جمیل که خداوند قرار داده خاک را محل
طهارة ، چنانکه قرار داده آبر محل طهارة .
و مثل فرموده آنحضرت در حدیث محمد بن مسلم که بدرستی که خداوند آب
همان خداوند خاک است .

و در حدیث دیگر خداوند آب خداوند زمین است .
و مثل این احادیث است احادیث دیگر در کتب اربعه که بعموم دلالت کرده
بر اینکه در هر عبادت که غسل و یا وضوء لازم است خاک و تیمم کفایت میکند .
و جواب از این عمومات و اطلاقات اینست که : این عموم در این احادیث در

مقام نماز است که نماز را بقضاء نگذارد، و ترك نکند چنانکه در احادیث بسیار این اختصاص را بیان فرموده‌اند، و عموماً راجع بر نماز کرده‌اند، مثل حدیث حلبی که سؤال کرد از امام جعفر صادق (ع) از کسیکه جنب شده، و آبرای نیافته برای غسل آنحضرت فرمود بر خاک تیمم میکند، و زمانیکه آبرای یافت پس غسل مینماید، و نماز را اعاده نمیکند.

و مثل حدیث زراره از آنحضرت و یا از پدرش که مسافر زمانیکه آبرای یافت پس طلب بکند آنرا مادامیکه وقت است و زمانیکه از فوت وقت ترسید تیمم میکند و نماز بجا آورد در آخر وقت، و زمانیکه آبرای یافت پس قضاء ندارد بر او، و باید وضو بسازد از برای نماز های بعد از این.

و مثل حدیث حلبی که آنحضرت فرمود زمانیکه نماز گذار آبرای یافت و جنب بوده پس باید بزمین مسح نماید، و نماز را بجا آورد، و زمانیکه آبرای یافت پس غسل بکند و کفایت میکند نماز او که با تیمم بجا آورده.

و مثل اینست حدیث عبدالله بن سنان و مثل حدیث عیص بن قاسم که سؤال کردم از امام جعفر صادق (ع) از کسیکه جنب بوده و بر آب میرسد، و حال اینکه نماز را بجا آورده، فرمود غسل را بجا می‌آورد و نماز را اعاده نمیکند.

و مثل حدیث ابن مسلم که او گفت که سؤال کردم از آنحضرت از جنب که تیمم کرده و نماز را بجا آورد و بعد از آن آبرای یافت، فرمود نماز را اعاده نمیکند و خداوند آب خداوند خاک است و یکی از دو طهارة را بجا آورده.

و مثل حدیث زراره که عرض کردم بر امام محمد باقر (ع) هرگاه بر آب برسد و حال اینکه با تیمم نماز بجا آورده و حال اینکه وقت نماز نگذشته، فرمود نمازش تمام است و بر او اعاده نیست.

و مثل حدیث علی بن اسباط از عم خود از آنحضرت در کسیکه با تیمم نماز بجا آورده و بعد از آن آب یافته و وقت باقی است، فرمود بدرستیکه نماز او گذشته و باید بعد از این طهارة را از وضوء و غسل بجا آورد.

و مثل این احادیث است دیگر در این معنی که تیمم از برای نماز

است نه از جهت غیر از نماز پس با وجود دلالت این احادیث و امثال اینها بر اینکه تیمم از جهت عدم فوت نماز است چگونه ادعا میشود که با تیمم در نك و لبث کردن در مساجد جایز است از جهت عموم جمله احادیث که فرموده اند خداوند آب خداوند خاک است آیا این عموم را احادیث مذکوره در آخر تخصیص نمیدهد؟ آیا با وجود اختصاص تیمم در این احادیث برای نماز چنانکه نقل شد وثوق برای عموم احادیث خداوند « آب همان خداوند خاک است » باقی میماند؟ حاشا و بلکه از برای اهل تحقیق ظاهر میشود که عمومات تشبیه خاک بر آب در جایز بودن نماز است با تیمم در وقت نبودن آب، و با این تشبیه نمیشود حکم کرد بر بودن خاک و تیمم مثل آب در همه موارد حتی در لبث و مکث کردن در مساجد در حال جنابت، زیرا که از واضحات است که در تشبیه نمودن چیزی بر چیزی دیگر يك صفت کافی است و اتحاد در جمیع اوصاف لازم نیست، و مردمان از عرب و عجم میگویند که فلان کس مثل حاتم و یا مثل رستم است، و قصد میکنند سخاوت و شجاعت آنکس را نه اینکه او مثل رستم و مانند حاتم بوده در همه اوصاف، و در جمیع خصوصیات پس بودن خاک بمنزله آب در احادیث اول مانند بودن فلان کس است مثل حاتم در يك صفت، یعنی بودن خاک است مثل آب در جایز بودن نماز با تیمم نه در هر جهة، و در همه اوصاف و بلکه احادیث اول در مسئله دیگر است، و در بیان اشتباه عمر خلیفه ابوبکر بوده زیرا که او حکم کرده و فتوی داده بود که در فرض نبودن آب از برای جنب نماز لازم نیست و نباید جنب بدون غسل نماز بجا آورد و این از واضحات اشتباهات او است در میان علماء طرفین چنانکه مرحوم مجلسی در حق الیقین ذکر نموده و حقیر نیز در مناہج نقل کرده و این فتوی از او شهرت نموده بود در زمان سابق پس حضرات امامان اهل بیت علیهم السلام در احادیث بیان فرمودند که باید جنب تیمم نماید و نماز بجا آورد در فرض نیافتن آب، زیرا که خداوند آب خداوند خاک است و خاک بمنزله آب است، و امامان در این بیان از حکم عمر تقیه نکردند از جهة بودن تیمم در آیات قرآن و وجود آن در حدیث ابودر، پس حضرات ائمه (ع) در آن احادیث اول که ذکر شد بیان فرموده اند و جوب نماز را با تیمم در فرض نبودن آب برای جنب، و این

اصرار حضرات امامان از جهت اینست که میفرمایند تیمم بمنزله آب است و یا خداوند آب خداوند خاک بوده، پس این عمومات را تخصیص میدهد فرمایش آنحضرات که در آخر وقت تیمم بکن و نماز را اداء نمائید و اعاده ندارد، و در این اختصاص تیمم بر نماز معنای عمومات ظاهر میشود، و احادیث تیمم منحصر میگردد بر نماز با قرینه منع کردن خلیفه نماز را با تیمم، چنانکه نقل شد.

و دلیل دویم بر اینکه با تیمم جایز نیست مکث و درنگ کردن در مساجد آیه شریفه است: لا تقربوا الصلوة و انتم سكارى حتى تعلموا ما تقولون ولا جنبا الا عابری سبیل یعنی نزدیک نشوید بر نماز بجا آوردن در حالت سکران بودن، تا اینکه بدانید که چه میگوئید در نماز خود، و نیز در حال جنابت بر جای نماز که مسجد است نروید، مگر در مرور و عبور کردن از مسجد.

و در کتاب حدایق محقق بحرانی اعلی الله مقامه فرموده که این معنی همان است که دلالت کرده بر این احادیثی که در تفسیر این وارد شده، و صدوق در کتاب علل الشرایع در حدیث صحیح روایت کرده از زراره و محمد بن مسلم از حضرت امام محمد باقر (ع) که عرض کردیم که آیا حیض و جنب بر مسجد داخل میشوند یا نه؟ فرمود حیض و جنب بر مسجد داخل نمیشوند مگر در حال عبور کردن زیرا که خداوند فرموده: ولا جنبا الا عابری سبیل حتی تغسلوا.

و مثل این حدیث را عیاشی در تفسیر این آیه از آنحضرت روایت نموده. و نیز علی بن ابراهیم استاد کلینی این تفسیر را از حضرت امام جعفر صادق (ع) روایت کرده، و نیز شیخ طبرسی در مجمع البیان از حضرت امام محمد باقر (ع) روایت نموده و این تفسیر را ترجیح داده و اختیار کرده در تفسیر خودش، و فرموده که: این اقوی است زیرا که خداوند تعالی ذکر فرموده حکم جنب را در آخر آیه شریفه در فرض نبودن آب که تیمم بکند و نماز بجا آورد، و این اول آیه که عابری سبیل است اگر حمل شود بر نماز تکرار لازم میشود در يك آیه، و بدرستی که خداوند سبحانه اراده فرموده که بیان فرماید حکم جنب را در داخل شدن بر مساجد در اول آیه که عابری سبیل است، و بیان فرموده حکم او را در نماز بجا آوردن در فرض

نبودن آب در آخر آیه (تمام شد کلام طبرسی).

و بعد از این محقق بحرانی فرموده که: من میگویم استعمال شدن لفظ صلوة در این آیه که لاتقربوا الصلوة باشد در محل صلوة که مسجد باشد جاری شده بر طریق استخدام چنانکه ذکر کرده این را بعضی اهل تحقیق در علم بلاغة از علماء مادر کتاب خود که تصنیف کرده آن را در صناعات بدیعیه در نزد ذکر کردن استخدام بعد از اینکه شناسانیده استخدام را با اینکه آن عبارت است از اینکه تکلم کننده يك لفظ بیاورد که دو معنی داشته باشد، و مشترك در دو معنی شود، و دو قرینه داشته باشد و هر قرینه يك معنی را از این دو معنی خدمت و تعیین میکند، از این لفظ، و آن محقق در علم بلاغة فرموده که: در این آیه کریمه در لفظ صلوة استخدام دو معنی شده، یکی از آنها نماز بجا آوردن است بقرینه فرمایش خداوند حتی تعلموا ما تقولون و دویم از آن معنی محل نماز است که مسجد باشد بقرینه فرمودن خداوند و لا جنباً الا ابری سبیل حتی تفتسلوا یعنی با جنابت بر مساجد نزدیک نشوید یعنی مکث و درنگ نکنید در آنها در حال جنابت (تمام شد کلام آن محقق در علم بلاغة) و بعد از این محقق بحرانی فرموده که: تفسیر حق است و موافق بوده با آنچه ما ذکر کردیم از احادیث سابقه (تمام شد کلام بحرانی).

و کلام این محقق در علم بلاغة را در کتاب وافی و در تفسیر صافی نقل نموده و اختیار کرده که حاصل آن اینست که جنب در مساجد درنگ نکند تا غسل بکند و از این جهة نقل شده از فخر المحققین بن علامه اعلی الله مقامهما که او منع کرده از مباح بودن درنگ نمودن با تیمم از جهت فرمایش خداوند «الاعابری سبیل حتی تفتسلوا» زیرا که قرار داده در این آیه آخر حرام شدن مکث جنب در مسجد غسل کردن را، پس مباح نمیشود درنگ او در آن بدون غسل نمودن و الاغایة حرام که غسل است غایة و آخر نمیشود (تمام شد کلام او).

و این را از او در حدایق نقل کرده و بعد از نقل این کلام را از او گفته و جواب داده از او سید سند در کتاب مدارک از این آیه با منع دلالت این آیه بر آنچه فخر المحققین ذکر کرده، و سید فرموده زیرا که اراده مساجد از لفظ صلوة مجاز

است و آن بدون قرینه نمیشود باوجود احتمال لفظ صلوة بر غیر از این معنی با احتمال ظاهر، و آن احتمال اینست که متعلق بنهی نماز بجا آوردن باشد در حال جنابت مگر در حال سفر از جهت جایز بودن اداء آن در سفر با تیمم (تمام شد کلام سید) .
 و محقق بحرانی بعد از نقل کلام آن محقق در علم بلاغه فرموده: که این استخدام در لفظ صلوة حق است و موافق بوده با آنچه ما ذکر کردیم از احادیث از تفسیرها و با این احادیث ظاهر میشود برای تو آنچه در کلام سید است در کتاب مدارك از نظر ظاهر زیرا که بناء سید در این فرمایش بر تفاسیر عامه است و غفلت او بوده از احادیث اهل بیت، و ظاهر میشود صحت دلیل آوردن فخر المحققین با آیه شریفه و در این وقت که معنی آیه این شد پس جواب از فرمایش فخر المحققین اینست که گفته میشود که: هر چندیکه معنی آیه اینست که او فرموده مگر اینکه آن تخصیص یافته با احادیث سابقه یعنی تیمم بمنزله آب است و خداوند آب خداوند خاک است و مثل اینها (تمام شد کلام او) .

و در این کلام محقق بحرانی نظری ظاهر است زیرا که عمومات احادیث او تخصیص میشود با احادیث سابقه که تیمم از جهت نماز است، چنانکه در سابق احادیث تیمم را نقل کردم و دلیل بر این تخصیص فتوای خلیفه ابوبکر بوده بر عدم جواز نماز با تیمم، چنانکه ذکر شد، پس دلیل آوردن او عمومات را برای تخصیص آیه که با احادیث صحیحه تفسیر شده محل تعجب است علاوه بر اینکه آن عمومات در مقابل فتوای عمر است، که با تیمم نماز نمیشود کرد.

و دلیل سوّم بر اینکه با تیمم نمیشود بر مسجد داخل شد احادیث جواز مرور جنب است از مسجد، مثل حدیث جمیل در کافی و تهذیب که سؤال کردم از امام جعفر صادق (ع) از جنب که آیا او میتواند در مسجد بنشیند؟ فرمود نه ولیکن مرور میکند در همه آنها مگر مسجد حرام و مسجد پیغمبر (ص) .

و در حدیث ابو حمزه در کافی امام محمد باقر (ع) فرمود که عیب ندارد از برای جنب و حیض مرور کردن در سایر مساجد و نمیتوانند در آنها بنشینند .
 و در حدیث جمیل بسند دیگر در کافی از آن حضرت که فرمود از برای جنب

جایز است مرور کردن در همه مساجد و نشیند در آنها مگر مسجد حرام و مسجد رسول الله (ص).

و در تهذیب از محمد بن حمران روایت کرده که از آن حضرت سؤال کردم از جنب که در مسجد میتواند نشیند؟ فرمود نه ولیکن مرور میکند در آن مگر مسجد حرام و مسجد پیغمبر (ص).

و در تهذیب حدیث ابو حمزه را با سند دیگر نیز روایت کرده و در فقیه با سند خود روایت کرده که حضرت رسول الله (ص) در وصیه خود فرموده که خداوند مکروه داشته چند چیز را بر امة من از آن جمله آمدن بر مساجد در حال جنابت. و نیز روایت کرده در حدیث مناهی که آن حضرت نهی فرموده از نشستن جنب در مسجد در حال جنابت تا آخر حدیث.

و در این احادیث مزبوره حضرات ائمه (ع) بیان کرده اند که جنب نمیتواند در مسجد بنشیند ولیکن مرور میکند از آنها پس اگر از برای جنب جایز بوده باتیمم در مسجد بوده باشد چرا آن را در اینها بیان فرمودند؟ و چرا جواز نشستن او را در آن ذکر نکردند؟ و بلکه جواز مرور را بیان فرمودند و در يك حدیث ضعیف پیدا نشده که جنب در مسجد میتواند با تیمم بنشیند!!! و اما آیه و احادیث که ذکر شد همه آنها صریح است در اینکه جنب نمیتواند در مسجد بوده باشد؟ آیا این احادیث مذکوره بر عمومات احادیث تیمم تخصیص نداده؟ و آیا عمومات تیمم در مقابل فتوای عمر نبوده؟ و مراد حضرات ائمه (ع) رفع اشتباه است از فتوای او که نباید نماز در حال جنابت فوت شود، چنانکه آنکس فتوی داده و بلکه نماز در هر حال باید بجا آورده گردد زیرا که نماز در اوقات مخصوصه است و اما بودن جنب در مسجد وقت مخصوص ندارد زیرا که آن از واجبات نیست، و وقت ندارد، و قضاء آن لازم نبوده، و نیز اگر مراد از آیه «ولا جنباً الا عابری سبیل حتی یغتسلوا» حکم مسافر باشد چنانکه علماء عامه میگویند لازم میشود در يك آیه تکرار شود زیرا که حکم مسافر را در آخر آیه فرموده بفرمایش خودش، و ان کنتم مرضی او علی سفر او جاء احد منکم من الغائط تا آخر یعنی اگر مرور کردید در سفر و نیز اگر مریض و مسافر

شوید، و آب نیافتید، پس تیمم بکنید و نماز را بجا آورید و اینست حاصل آیه بنا بر تفاسیر علماء عامه و این نحو کلام از فصاحت و بلاغه خارج است چنانکه مرحوم طبرسی فرموده و کلام او را در سابق نقل کردم.

و از همه احادیث مذکوره در تفسیر آیه *ولا جنبا الاغبری سبیل و در غیر از تفسیر آیه واضح شد که جنب باتیمم نمیتواند در مسجد بوده باشد مثل حیض و بودن آنها در آن حرام است بنا بر قول مشهور و معروف بغیر از سلاله رحمه الله.*

و از جمله حکم جنابت عدم جواز دخول او است بر مشاهد حضرات ائمه (ع) چنانکه جمعی از فقهاء ما فرموده‌اند، و در حدایق فرموده که ملحق کرده‌اند جمعی از متأخرین اصحاب ما بر مساجد ضرایح مقدسه و مشاهد مشرفه حضرات ائمه را و جمعی این را رد کرده‌اند که این الحاق سند ندارد که باعث حرام شدن باشد و بعد از این خودش فرموده که من میگویم که ممکن است دلیل آورد بر حرمت داخل شدن بر ضرایح مقدسه با ظاهر آیه تعظیم شعائر الله و با احادیث دلالت کننده بر عدم جواز داخل شدن جنب بر خانهای آن حضرات در حال حیات و شکی نیست در اینکه حرمت ایشان در حال ممات مثل حرمت ایشان است در حال حیات و از جمله این احادیث حدیث بکر بن محمد است در بصائر الدرجات شیخ صفار که گفت خارج شدیم از مدینه و اراده ما شرفیاب شدن حضور امام جعفر صادق (ع) بود و ابو بصیر بر ما ملحق شد در خارج زقاق، و او جنب بوده و ماندانسته بودیم تا بحضور آن حضرت وارد شدیم، پس سرش را بلند نمود بر ابو بصیر و فرمود ای ابا محمد آیا ندانسته که سزاوار نیست از برای جنب داخل شدن بر خانهای پیغمبران؟ پس ابو بصیر بر گشت و ما داخل شدیم و مثل این را در قرب الاسناد روایت و نظیر این را در رجال کشی از بکیر روایت کرده و مثل آنرا در ارشاد و در کشف غمه روایت کرده‌اند (تمام شد کلام محقق بحرانی) و مؤلف این رساله میگوید بلکه مراد از مساجد حضرات ائمه (ع) است در قرآن در باطن چنانکه در جلد هفتم بحار الانوار از کنز جامع الفوائد و تاویل الایات از حضرت امام موسی کاظم (ع) در آیه *ان المساجد لله* روایت کرده که فرمود ایشان اوصیاء پیغمبرند (ص).

و در کافی نیز این حدیث را از محمد بن فضیل از آن حضرت روایت نموده و در تفسیر علی بن ابراهیم از این خالد روایت کرده در آیه ان المساجد لله که حضرت امام رضا (ع) فرمود که مراد از مساجد حضرات امامان است .
و نیز در کنز جامع الفوائد از عیسی بن داود روایت کرده که امام موسی کاظم (ع) در اغلب میفرمود در آیه ان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احداً که ایشان اوصیاء و امامان است از ما فرداً فرد پس غیر از ایشان را ندانید زیرا که در این وقت می شوید مثل کسی که با وجود خداوند چیزی دیگر را خدا بداند، و آیه این نحو نازل شده .

و در تفسیر عیاشی از ابن مهران روایت کرده در آیه : و اقيموا وجوهکم عند کل مسجد که امام جعفر صادق (ع) فرمود یعنی حضرات امامانند .

و نیز عیاشی از ابن مهران روایت کرده در آیه خذوا زینتکم عند کل مسجد که آن حضرت فرمود یعنی امامان است .

و این احادیث را در تفسیر صافی نیز نقل کرده پس مراد از مساجد در آیات شریفه حضرات امامان شدند و بنا بر این ضرایح مقدسه و مشاهد مشرفه ائمه (ع) مسجد گردید نه اینکه ملحق بر مسجد شدند چنانکه از فقهاء ما جمعی ملحق دانسته و جمعی نیز رد کرده اند که در کلام بحرانی گذشت، و عذر ایشان مقبول است زیرا که ایشان احادیث را در تفسیر ندیده اند، و چنانکه مراد از مساجد حضرات ائمه است و هکذا مراد از بیوت آن حضرات است چنانکه در احتجاج طبرسی از ابن نباته روایت کرده که من در حضرت امیر المؤمنین (ع) بودم که ابن گوّاء آمد و گفت یا امیر المؤمنین مراد از بیوت در این آیه کدام چیز است؟ لیس البربان تا تو الیوت من ظهورها و لکن البر من اتقی و اتوا الیوت من ابوابها پس آن حضرت فرمود مائیم مراد از بیوت که خداوند امر فرموده که از درهای ما داخل شوند و مائیم درهای خداوند و بیوت او سبحانه که باید مردمان از آنها بیایند بخداوند، و هر که بما بیعت نماید و بر ولایت ما اقرار کند پس آنکس آمده بر خانه ها از درهای آنها و هر که بر ما مخالفت نماید و دیگران را بر ما مقدم بدارد پس او آمده از غیر درهای آنها

و در نهج البلاغه فرموده: نحن البيوت والاصحاب، والخزنة والابواب، یعنی مائیم بیوت خداوند و اصحاب واقعی حضرت رسول الله (ص) و خازن علم خداوند و درهای او سبحانه.

و در کافی با سند خود از ابو حمزه روایت کرده که قتاده بن دعامة بحضور امام محمد باقر (ع) وارد شد و آنحضرت باو فرمود: توئی فقیه اهل بصره؟ گفت بلی فرمود وای بر تو یا قتاده خداوند جمعی را از میان مخلوقات خودش خلق کرد و ایشان را حجة خود قرار داده بر مخلوقات خودش، و ایشان است اوتاد در زمین که قوام و دوام زمین بسبب ایشان بوده و ایشانند قیام کننده بر امر خداوند و بر گزیدگان در علم او سبحانه، و بر گزیدگان را قبل از خلقت خلق، و قرار داد ایشان را اظله از زمین عرش پس قتاده زمان زیاد ساکت مانده و بعد از آن گفت اصلاحك الله و سوگند بخداوند هر آینه من در نزد فقهاء و در مقابل ابن عباس نشسته بودم، و قلب من در نزد آن ها اضطراب نکرده بوده چنانکه در حضور شما مضطرب شده، و حضرت فرمود باو آیا میدانی در کجا بوده و تو آلان در مقابل آن بیوت هستی که خداوند اذن داده که آنها بلند شود و اسم خداوند در آنها یاد آور گردد و تو در آنجائی و مائیم آن بیوت قتاده گفت راست فرمودی سوگند بخداوند فدایت شوم قسم بخداوند آن بیوت از سنگ و خاک نیست (و این حاصل و مختصر حدیث است) و از این احادیث معلوم شد که مراد از بیوت در این آیات بیوت واقعی خداوند است که امامان اهل بیت باشند، و از این دو حدیث و از خطبه نهج البلاغه ظاهر میشود که مراد از بیوت در آیه ان اول بیت وضع للناس للذي بيكاه همان ولادت امیرالمؤمنین است در خانه کعبه چنانکه در کتاب کشف اليقين در ولادت امیرالمؤمنین (ع) بیان کردم و طبع و نشر شده.

و از جمله حکم جنب حرمت مس کتابه قرآن و حرام بودن قرائت آیه سجده است و دلیل بر این حدیث محمد بن مسلم است که امام محمد باقر (ع) فرمود که حیض و جنب باز میکنند قرآن را با ثوب و یا چیزی از لباس، و قرائت میکنند آن قدریکه مایلند مگر سجده آن را.

و حدیث ابراهیم که حضرت امام موسی کاظم (ع) فرمود که قرآن را با حال غیرطهارت مس نکن، و نه با جنابت، و مس ننمائید خط آن را، و آن را از خود آویزان مکن.

و حدیث زراره و محمد بن مسلم که عرض نمودند با امام محمد باقر (ع) آیا حیض و جنب چیزی از قرآن قرائت مینمایند؟ فرمود بلی آن قدریکه می خواهند مگر سجده را و خداوند را یاد میکنند در هر حال.

و این حدیث را در معتبر از جامع بزنی از امام جعفر صادق روایت کرده. و از جمله حکم جنب است حرمة مس او اسم الله را و دلیل بر این حدیث عمار است از امام جعفر صادق (ع) که فرمود مس نکند جنب درهم و دینار را که در آن اسم الله باشد و جمعی الحاق کرده اند اسماء انبیاء و ائمه را بر اسم خداوند و دلیل ایشان آیه تعظیم شعائر الله است و وجوب تعظیم شعائر الله در هر دو جاری است. تمام شد در بیست و هشتم رجب هزار و سیصد و شصت و هشت.

بدستور حضرت آقای حاج مختار آقا

معینی تاجر رضائیه بزیور طبع

آراسته گردید